

گرایش دانش جویان به انواع حجاب

سعید زاهد زاهدانی و عبدالله دشتی

چکیده

تصور و برداشت از «بدن» که امروزه به عنوان یکی از موضوع‌های مطرح در جامعه‌شناسی جهانی درآمده است در فرهنگ‌های مختلف متفاوت می‌باشد. بخصوص اختلاف نظر در مورد بدن زن و مرد بسیار بارز و روشن است. در برخی از جوامع بدن به عنوان یک موضوع خصوصی تلقی شده و از هر نوع عرضه و بهره‌برداری از آن در مجامع عمومی پیش‌گیری می‌شود. در برخی دیگر از جوامع بدن زینتی محسوب می‌شود که صاحب آن می‌تواند به شیوه‌های مختلف از آن بهره‌مند گردد. در ایران از زمان‌های قدیم بدن به عنوان یک موضوع خصوصی تلقی شده و از عرضه و استفاده از آن در مجامع عمومی پیش‌گیری شده است. این امر در مورد زنان از شدت بیشتری برخوردار است. در این مقاله ضمن مروری بر تاریخ نحوه‌ی پوشش زنان در ایران به زمان حاضر می‌پردازیم و گرایش دانشجویان دختر را نسبت به نحوه‌ی پوشش خود مورد بررسی قرار می‌دهیم. می‌خواهیم بدانیم دانشجویان دختر در شرایط مختلف چه نوع پوششی انتخاب می‌نمایند و تغییر محیط اجتماعی تا چه حد در انتخاب نوع پوشش برای آنان مؤثر می‌باشد. با توجه به تحولات اجتماعی صورت گرفته در کشور تأثیر تحولات حدود ده سال را بر نحوه‌ی انتخاب پوشش دختران مورد بررسی قرار داده ایم.

واژگان کلیدی: حجاب، دانشجویان دختر، تغییرات اجتماعی، ایران.

مقدمه

مطالعه بدن به عنوان یک موضوع اجتماعی امروزه مورد توجه برخی از جامعه‌شناسان قرار گرفته است. به خصوص آنان که در مکتب زن‌گرایی (Feminism) به مطالعه می‌پردازند می‌خواهند بدانند چرا برداشت جامعه در مورد بدن زن و مرد متفاوت است و این تفاوت چه آثار اجتماعی از خود به جا گذاشته است؟

در برخی از جوامع بدن به طور کلی به عنوان یک موضوع خصوصی تلقی شده و از هر نوع عرضه و بهره‌برداری از آن در مجامع عمومی پرهیز می‌شود. در برخی دیگر بدن به عنوان یک زینت به حساب می‌آید و صاحب آن اجازه دارد آن را به عنوان یک کالای ارزشمند ارائه دهد و به شیوه‌های مختلف از آن بهره‌برداری نماید. برای مثال این‌داری می‌تواند در مواضع سیاسی به عنوان یک عنصر برتر انتخاباتی مورد استفاده قرار گیرد و یا وسیله‌ی استخدام در یک موقعیت اداری خاص شود و در موارد اقتصادی به عنوان یک کالای قابل فروش در بازارهای مختلف مثل مدل لباس، هنرپیشگی و یا دیگر موارد مورد بهره‌برداری قرار گیرد. امروزه بازار بزرگی در جهان در حال بهره‌برداری از این کالای قیمتی است.

در برخی از جوامع از جمله ایران از زمان‌های قدیم بدن به عنوان یک موضوع خصوصی تلقی شده و از عرضه و بهره‌برداری از آن در مجامع عمومی پیش‌گیری شده است. این امر در مورد زنان از شدت بیشتری برخوردار بوده است. بعد از ورود اسلام به ایران پوشیده بودن زنان به عنوان یک تکلیف شرعی، واجب تلقی شد. با توجه به اینکه ارزش‌های دینی منشأ ارزش‌های اجتماعی می‌باشند و ایران پیش و بعد از اسلام از فضایی دینی برخوردار بوده است به نظر می‌رسد پوشیده بودن زنان به عنوان یک ارزش اجتماعی از دیرباز وجود داشته و امروزه با توجه به محور قرار گرفتن اسلام در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی به شدت مورد تأکید می‌باشد. پس از انقلاب اسلامی پوشیده بودن زنان به صورت قانون در آمده و فشارهای اجتماعی متنوعی آن را تأکید می‌نماید. از سوی دیگر از حدود یک‌صد و پنجاه سال پیش اشاعه‌ی فرهنگ غرب به عنوان فرهنگ پیشرفته، فضای اجتماعی جوامع شرقی و اسلامی را تحت تأثیر قرار داده و تغییراتی در عادات اجتماعی از جمله نحوه‌ی پوشش زنان به وجود آورده است. در ایران با توجه به تغییرات اجتماعی ژرفی که در این مدت به وجود آمده

این تأثیرگذاری از شدت زیادی برخوردار بوده است. در نتیجه تغییرات صورت گرفته در سیاست‌های فرهنگی نظام‌های حاکم، از دوره‌ی قاجار تاکنون، در نوع پوشش زنان هم تغییرات زیادی مشاهده می‌شود.

در این مقاله ضمن مروری بر تاریخ نحوه‌ی پوشش زنان در ایران به زمان حاضر می‌پردازیم و گرایش دانش‌جویان به انواع پوشش در شرایط مختلف اجتماعی را بررسی می‌کنیم. در دوران بعد از انقلاب اسلامی و قانونی شدن حجاب تحولاتی در شیوه‌ی استفاده از این نوع پوشش به وجود آمده است. در این مقاله به تأثیر این تحولات در گرایش دانش‌جویان به نوع پوشش خود توجه می‌نماییم و این اختلاف را در یک دوره‌ی حدوداً ده‌ساله مورد بررسی قرار می‌دهیم. می‌خواهیم بدانیم گرایش دانش‌جویان دختر نسبت به نحوه‌ی پوشش خود در شرایط مختلف اجتماعی چگونه است و با تحولات اجتماعی صورت گرفته در یک دوره‌ی ده‌ساله چه تغییری در انتخاب نوع پوشش آنان ایجاد شده است.

تاریخچه‌ی نوع پوشش در ایران

از دوران‌های گذشته در تاریخ ایران به علت رایج نبودن ساخت تندیس از زنان و محدود بودن نقوش آنان، اطلاعات چندانی در مورد نحوه‌ی پوشش آنان در دست نیست. شاید قدیمی‌ترین نشانه‌ای که از زنان در ایران به جا مانده باشد جام نقره‌ای است که از سه هزار سال پیش از میلاد در منطقه مرو دشت به دست آمده است. این جام نقش یک زن به صورت الهه‌ای که پوشش سر او به صورت نواری، گرد سرش را فرا گرفته و کلاه کوچکی بر سر دارد که موهایش را از بالا به پایین پوشانده است (شهشهانی، ۱۳۷۴: ۲۷). نشانه‌ی بعدی مربوط به حدود هفت قرن قبل از میلاد می‌باشد این تصویر گویای آن است که زنان ایران به جز زنان وابسته به دربار بی‌حجاب بوده‌اند (راوندی، ۱۳۵۲: ۶۲۶). بعد از آن نقش برجسته‌ای مربوط به حدود دو قرن بعد یعنی از پنج قرن قبل از میلاد است یک ملکه را در پیراهن و شلوار بلند نشان می‌دهد (کاکس، ۱۳۷۲: ۵۵). آثار فوق و تاریخ‌های آنان، در وهله‌ی اول نشان از کم بودن نقش و مجسمه‌ی زنان در ایران باستان دارد. کم بودن نقش و تصویرهایی از زنان

و نیز پوشیده بودن زنان دربارهای ایرانیان باستان می‌تواند دلیلی بر اهمیت پوشیدگی زنان در آن جامعه باشد.

در دوره‌ی ساسانیان نیز ضمن اینکه تمایل به حضور زنان در انظار عمومی کم بود اما زنان درباری پوشیده بودند و دیگر زنان بی‌پرده در اجتماع ظاهر می‌شدند. (پارسا، ۱۳۷۷: ۶۸-۶۷). هرچند زنان در این دوره از نوعی چادر استفاده می‌کردند که در دوران‌های پیش نیز معمول بوده است (چیت‌ساز، ۱۳۷۹: ۱۵). این وضع بعد از اسلام ادامه یافت و زنان در دوره سلسله‌های طاهریان، سامانیان و صفاریان برای پوشاندن کل بدن از نوعی چادر به عنوان حجاب استفاده می‌کردند (چیت‌ساز، ۱۳۷۹: ۳۰).

در دوره‌ی صفویه با رسمت یافتن مذهب شیعه در ایران و افزایش نفوذ روحانیت در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی رعایت حجاب در میان زنان از گستردگی بیشتری برخوردار شد. زنان در این دوره بسیار محدود و باحجاب بودند (پارسا، ۱۳۷۷: ۷۳). از همین دوره است که مرادوات ایرانیان با اروپاییان افزایش یافت. سیاحان و دیگر فرستاده‌های اروپایی شرح احوالی از زنان ایرانی در آن زمان نقل کرده‌اند. شاردن در مورد زنان دوره‌ی صفویه در ایران می‌نویسد:

«اغلب زنان در فعالیت‌های مولد خانگی، آشپزی، دوختن لباس شرکت داشتند. ...

زنان طبقات بالا کار نمی‌کردند. زنان شهری نیز حجاب داشتند و از کل جامعه جدا

بودند.» (فورن، ۱۳۷۷: ۶۵)

این وضع از پوشش زنان در ایران تا دوره‌ی قاجاریه ادامه یافت و در این دوره است که در آن تحولاتی صورت گرفت. با افزایش مرادوات بین ایران و اروپا شیوه‌های فرهنگی اروپاییان به تدریج وارد شده، در میان ایرانیان رواج یافت. جنگ‌های ایران و روس و دادن حکم جهاد توسط علمای ایران و هجوم مردم به جبهه‌های جنگ به دنبال این فتواها نشان داد که قدرت بسیج مردم در دست علما و با توجه به اعتقادات مذهبی است. این قدرت بعدها در فتوای تحریم تنباکو و دیگر هدایت‌های مردمی علما مانند انقلاب مشروطه خود را بیشتر نشان داد. از این رو بود که شکستن اعتقادات و ارزش‌های دینی مردم ایران در دستور کار استعمارگران قرار گرفت (زاهد زاهدانی، ۱۳۸۱: ۴۳-۴۲). یکی از اهداف آنان در این راستا

شکستن حجاب زنان ایرانی بود که با این عمل آنان موفق می‌شدند رخنه‌ی بزرگی در اعتقادات و ارزش‌های اسلامی ایجاد نمایند.

در دوره‌ی قاجار زنان عادت به پوشاندن سر خود داشتند به طوری که حتی در خانه نیز زنان تهرانی روسری به سر داشتند و در بیرون از خانه چاقچور و نقاب می‌پوشیدند. (شهشانی، ۱۳۷۴: ۱۵۳). حجاب آنان در بیرون از خانه چادرِ او عموماً به رنگ سیاه بود و چهره‌ی خود را هم با روپنده می‌پوشاندند (شریعت‌پناهی، ۱۳۷۲: ۹۸). اروپاییان و دیگر مسافران خارجی حجاب زنان را در ایران به شیوه‌های مختلف توصیف نموده‌اند. چارلز ویلس در سفرنامه‌ی خود می‌نویسد:

«زن‌های ایران زمین همیشه در چادرهای سیاه مستور پیچیده‌اند و شخص خارجی را ممکن نمی‌شود که صورت آنها را ببیند ... لهذا انسان را ممکن نمی‌شود که در چنین مملکتی اظهار عشق نماید.» (توانا، ۱۳۷۱: ۸۶-۸۵).

توانا از سفرنامه‌ی سفیر ژاپن چنین نقل می‌کند:

«زن‌ها، چادری به سر می‌کردند که از سر تا پایشان را می‌پوشاند. ... در چند ماهی که ما آنجا بودیم هرگز زنی رویش را به ما ننمود و نتوانستیم صورت زن‌ها را بی‌حجاب و چادر ببینیم.» (توانا، ۱۳۷۱: ۲۵).

پولاک در سفرنامه خود در مورد پوشش زنان چنین می‌نویسد:

«زن فقط حق داشت در برابر شوهر و چند تن از نزدیک‌ترین خویشاوندان که به او محرم بودند بدون حجاب ظاهر شود.» (شریعت‌پناهی، ۱۳۷۲: ۱۴۰).

کلودانه نیز در سفرنامه‌ی خود از زنان دوره‌ی مظفرالدین شاه می‌نویسد:

«به نظر من زنان ایرانی بیش از تمام کشورهای مشرق زمین مقید به حجابند و با

دقت و وسواس بیشتر قسمت بالا و چهره خود را می‌پوشاند.» (توانا، ۱۳۷۱: ۳۳).

در زمان محمد شاه قاجار تأثیر فرهنگ غرب در ایران به تدریج ظاهر شد. اثرات شکست جنگ‌های ایران و روس در روحیه‌ی ملت ایران زمینه را برای برخی تحولات آماده کرد. از جمله دربار ایران میدان تاخت و تاز سفرای روس و انگلیس شد. در همین زمان است که برای شکستن اقتدار دینی ملت ایران فرقه‌سازی آغاز شد و فرقه‌های بابیه و بهائیه شکل

گرفتند (زاهد زاهدانی، ۱۳۸۱: ۴۳). در میان رهبران بابیه طاهره‌ی قزوینی معروف به قره‌العین اولین زنی بود که در سال ۱۲۲۷ هجری شمسی حکم بر بی‌تکلیفی کرد و حجاب از خود بر گرفت (زاهد زاهدانی، ۱۳۸۱: ۱۸۶-۱۸۴). کار این فرقه با مقابله‌هایی که توسط علما و دولت امیرکبیر صورت یافت عمومیت پیدا نکرد و حجاب کماکان به عنوان لباس عمومی زنان ایرانی و به صورت چادر و روینده باقی ماند. اما در ادامه‌ی دوره‌ی ناصرالدین شاه تحولاتی در نحوه‌ی پوشش زنان اتفاق افتاد.

ناصرالدین شاه در سفرهایی که به فرنگ داشت تحت‌تأثیر فرهنگ اروپا تغییراتی در کشور و دربار خود به وجود آورد که از جمله کوتاه کردن دامن زنان دربار به سبک زنان بالرین اروپایی بود (توانا، ۱۳۷۱: ۴-۳). این حرکت زمانی به سطح جامعه کشیده شد که مدارس به سبک جدید در ایران تأسیس شد. دامنه‌ی این مدارس که ابتدا برای اقلیت‌های مذهبی و توسط مبلغان مذهبی به وجود آمد به تدریج به دیگر اقشار کشانده شد و این تغییر لباس در مورد دانش‌آموزان اعمال گردید (توانا، ۱۳۷۱: ۸۵؛ شریعت‌پناهی، ۱۳۷۲: ۱۸۲). دانش‌آموزان این مدارس بیشتر از افراد طبقه‌ی بالای جامعه بودند. از دیگر عوامل مؤثر در تغییر نوع لباس در ایران در دوره‌ی قاجار نشر مجلاتی بودند که به تبلیغ فرهنگ غرب می‌پرداختند. این تبلیغات زمینه را برای کشف حجاب در ایران آماده کرد (توانا، ۱۳۷۱: ۱۱۵).

با روی کار آمدن رضاخان و به سلطنت رسیدن او در سال ۱۳۰۴ بازوی اجرایی برای اعمال اصلاحات غربی در ایران فراهم شد و او در ۱۷ دی سال ۱۳۱۴ قانون منع حجاب را تصویب کرد. بر اساس یک فرمان، او زنان ایرانی را مجبور کرد تا شبیه زنان اروپایی لباس بپوشند (طلوعی، ۱۳۷۲: ۳۲۵-۳۲۱). کسانی که از این قانون تبعیت نمی‌کردند مجرم شناخته می‌شدند. قبل از آن توسط مطبوعات، تشکیل مجالس مختلط، وجود مدارس جدید دخترانه، و نیز ظاهر شدن زنان بی‌حجاب در صحنه‌های تأثیر زمینه‌سازی برای اجرای این مصوبه انجام شد (معتضد، ۱۴۵). کانون بانوان ایران به ریاست صدیقه دولت‌آبادی نیز که در همین سال تأسیس شد کمک شایانی به پیشبرد مقاصد رضاشاه در مورد زنان در ایران کرد. صدیقه دولت‌آبادی زنی بود که چند سال قبل از قانونی شدن بی‌حجابی، بی‌حجاب در محافل ظاهر شد و وصیت کرد زنی باحجاب در مراسم تشییع جنازه‌اش و سر مزار او حاضر نشود.

(نرگسی، ۱۳۸۳: ۴۰؛ شیخ الاسلامی، ۱۳۵۱: ۹۹-۹۸). در آغاز سلطنت محمدرضا شاه، دومین پادشاه سلسله پهلوی، اجباری بودن منع حجاب ملغی گشت (Algar, 1991:745)، اما هنوز زنان باحجاب اجازه حضور در مجامع رسمی را نداشتند. این وضع با تبلیغات و استفاده از هر طریق ممکن در دوران پهلوی ادامه یافت و در نهایت با موج انقلاب اسلامی تغییرات بنیادی در این زمینه در کشور آغاز گشت.

در مقابله با حرکت تحمیلی کشف حجاب در دوران پهلوی در جریان انقلاب اسلامی در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ زنان به طور عمده با حجاب در تظاهرات شرکت نمودند. بعد از انقلاب هم حجاب به یکی از نشانه‌های طرفداری از انقلاب اسلامی بدل گردید. بالاخره در تابستان سال ۱۳۶۰ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد که همه زنان ایرانی می‌باید از قانون حجاب پیروی نمایند. شیوه اعمال این قانون بعد از انقلاب اسلامی نیز تحولاتی پذیرفت. به هر صورت تاکنون این قانون در مجامع عمومی و رسمی اعمال می‌شود. البته در مجالس خصوصی هرکس می‌تواند به دلخواه خویش عمل کند.

نظریات پیرامون حجاب

بر اساس قرآن کریم زنان مسلمان می‌باید بدن خود را با لباس بلند و گشاد غیر از دست و صورت بپوشانند (قرآن کریم، نور/آیات ۳۱ و ۶۱-۵۹ و احزاب/۶۰-۵۹). به نظر می‌رسد این پوشش برای حضور زنان در صحنه‌های اجتماعی بدون از دست دادن اصل خصوصی بودن مسأله بدن باشد. به همین علت است که آنان مجبور به پوشاندن بدن خویش به هنگام حضور در خانه و در مقابل خویشان نزدیک مانند شوهر، پسران، پسران شوهر، برادران، برادر و خواهرزادگان، زنان، بردگان (در دوره برده‌داری)، کودکانی که هنوز از انگیزه جنسی چیزی نمی‌دانند، کسانی که دارای انگیزه جنسی نیستند، پدر، پدر بزرگ‌ها، عموها و دایی‌ها، و پدر همسر (قرآن کریم، سوره نور آیه ۳۱) نیستند.

آیت الله مطهری یکی از نظریه‌پردازان انقلاب و دولت اسلامی بود. به نظر او زنان و مردان در یک جامعه اسلامی می‌باید نیازهای جنسی خویش را در محیط خانواده ارضاء نمایند و هیچ نوع جاذبه جنسی در خارج از آن مرز نمی‌باید به کار گرفته شود (مطهری، ۱۳۵۳: ۶۷).

او معتقد است که اجباری بودن حجاب در قوانین اسلامی می‌تواند دارای چهار دلیل باشد: اول آرامش روانی را به همراه دارد. دوم موجب تقویت روابط خانواده می‌شود. سوم موجب بهداشت اجتماعی است و چهارم به عزت و احترام زنان می‌انجامد (همان: ۸-۶۸).

به هر صورت همه‌ی علمای اسلام پوشیدن حجاب را از جمله‌ی ضروریات دین می‌دانند و انکار آن را دلیلی بر خروج از اسلام می‌شمرند. برخی دلیل این وجوب را عدم تحریک مردان ذکر می‌کنند و برخی دیگر بر متانت و احترام زنان در صورت داشتن حجاب تأکید دارند (Afshar, 1999: 199). به هر صورت این اعتقاد به وظیفه بودن حجاب برای زنان مسلمان در همه‌ی کشورهای اسلامی رایج است. اما شیوه‌ی پوشاندن بدن در هر فرهنگ و هر جامعه‌ای شکل خاص خود را دارد. در ایران به عقیده‌ی اغلب متدینین چادر به عنوان حجاب برتر تلقی می‌شود اما به علت مشکلاتی که ممکن است در مشاغل و موقعیت‌های مختلف اجتماعی ایجاد کند انواع دیگری از حجاب نیز رایج شده است (Afshar, 1999: 198-199). در ادارات دولتی پوشیدن مانتو و شلوار نیز به عنوان حجاب مورد نظر قانون مطرح می‌باشد. پوشیدن دامن و روسری نیز در مجالس خصوصی تر مشاهده می‌شود.

در طول همه جنبش‌های اجتماعی در ایران معاصر تقریباً همه زنان در همه تظاهرات باحجاب شرکت کرده‌اند.^۱ زیرا بر این تصور بوده‌اند که در یک فعالیت اسلامی شرکت کرده‌اند. زنان با حضور مؤثر خویش در همه این جنبش‌ها شرکت داشتند. در انقلاب مشروطه به طوری که از تصاویر باقی‌مانده از آن زمان بر می‌آید، زنان با چادر در تظاهرات شرکت می‌کردند. در انقلاب اسلامی چادر به تدریج وجه غالب به خود گرفت اما پوشیدن روسری و گاهی مقنعه نیز مشاهده شده است. بعد از انقلاب در تظاهرات مختلف، اغلب زنان با چادر شرکت می‌نمایند و مانتو و شلوار نیز در تعداد کمتر از چادر وجود دارد.

^۱ - در ایران از اواخر قرن نوزدهم میلادی به بعد پنج جنبش اجتماعی ملی اتفاق افتاده است. سرآغاز آن با نهضت تنباکو است. بعد از آن انقلاب مشروطه شکل گرفت. سوم می‌توان از جنبش ملی شدن صنعت نفت نام برد. چهارم نهضت ۱۵ خرداد و پنجم انقلاب اسلامی است.

به طور کلی بعد از پیروزی انقلاب دو نظریه‌ی کاملاً متفاوت در مورد حجاب زنان در عرصه‌های اجتماعی ظاهر گشت. دسته‌ی اول نظریه‌ی اسلامی است که طرفداران آن معتقد به حجاب هستند و گروه دوم ایدئولوژی سکولار می‌باشد.^۱ طرفداران این نظریه حجاب را وسیله‌ی جدا سازی زنان از جامعه و عقب نگه داشته شدن آنان می‌دانند.

مقدم یکی از طرفداران نظریه‌ی دوم است. او نظر خویش را در مورد وضعیت حجاب بعد از انقلاب در ایران چنین بیان می‌دارد که رژیم اسلامی جدید به دنبال انقلاب فرهنگی خود تلاش نمود تا با غرب‌زدگی مبارزه کند. به نظر مقدم حاکمان جدید تصور می‌کردند که زنان بیشتر از مردان در معرض غرب‌زدگی و تغییرات فرهنگی و فرهنگ امپریالیسم قرار داشته‌اند. (Moghadam, 1994:205) او می‌گوید:

«تصور کلی از زن «غرب‌زده» یک زن غرب‌گرای طبقه متوسط بود که هیچ نوع آثار تولیدی یا مسئولیت مولدی ندارد. اگر کار کند به عنوان یک منشی مشغول به کار می‌شود و کارش عمدتاً تشریفاتی و غیر ضروری است. دسترسی او به پول بیهوده تصور می‌شود زیرا برای تهیه لباس‌ها، لوازم آرایش، و دیگر کالاهای مصرفی وارداتی به کار می‌رود. او همواره مشغول ظاهر فیزیکی خود است و دامن کوتاه می‌پوشد و آرایش غلیظ می‌نماید. او علاقه دارد آزادانه با مردان بجوشد، سیگار بکشد، مشروب بنوشد و در ملاء عام بخندد. اگر هم چیزی می‌خواند داستان‌های عشقی است. او مدل‌های رفتاری خود را از میان هنرپیشگان هالیوود، خوانندگان آمریکایی و خوانندگان موسیقی پاپ انتخاب می‌کند. سبک سری و بی‌علاقگی او به سیاست و مسایل ملی او

^۱-Azar Tabari and Nahid Yeganeh, eds. In the Shandow of Islam: The Women's Movement in Iran (London, Zed, 1982) : Guity Nashat, ed. Women and Reveolution in Iian (Boulder Colorado, Westveiw, 1983). Heleh Afshar: Women State and Ideology in Iran. Third world Quatterl 7, April 1985256-78: Valentine Moghadam, Women, Work and Ideology in the Islamic Republic: Middle East Studies 20 May 1988:221-43 Afsaneh Najmanadi. Power, Mortality and the New Muslim Womanhood, Ali Banuazizi and Muron Wiener ed. State and Culture in Afghanistan, Iran, and Pakistan (Albany: State University of New York, 1993): Nayereh Tohidi, "Modernity, Islamization and the women question in Iran", Valentine M. Moghadam ed. Gender and National Identity: Women and politics in Muslim Societies (London, Zed, 1995): J. S. Hawley ed. Fundamentalism and Gender (Oxford: Oxford University Press, 1994)

را طعمه‌ای برای تجاری و فاسد شدن توسط غربی‌ها کرده است. راه‌حل رژیم جدید در مقابل این ملعبه‌ها و نشانه‌های امپریالیسم، حجاب اجباری بود. زنان همچنین اجازه نداشتند در مجامع عمومی آرایش کنند و از عطر استفاده نمایند.» (Moghadam, 1995:206).

بعد از انقلاب اسلامی اعتراضاتی به قانون حجاب صورت گرفت. بعضی معتقد بودند که دیگر گروه‌های اجتماعی غیر از زنان نیز در معرض غرب‌زدگی بوده‌اند. برخی از گروه‌های مارکسیستی ادعا نمودند که تا وقتی میانی اجتماعی و اقتصادی سرمایه‌داری معاصر که اساس نظم شاهنشاهی بود، وجود دارد نمی‌توان استحاله فرهنگی را ریشه‌کن کرد (Moghadam, 1995: 206). هاله افشار حجاب را وسیله‌ای برای جداسازی زنان از مردان در محافل اجتماعی تلقی می‌کند (Afshar, 1999: 199). به هر صورت طرفداران بی‌حجابی از همان اوایل انقلاب و به خصوص بعد از قانونی شدن حجاب یا به خارج از کشور رفتند و یا به پوشیدن حجاب در محافل رسمی تن دادند. این‌گونه افراد در محافل خصوصی خود بدون حجاب شرکت می‌کنند.

با توجه به نظریات گوناگون در مورد نحوه‌ی پوشش، در این تحقیق می‌خواهیم بدانیم گرایش دختران دانشجو نسبت به حجاب و نحوه‌ی پوشششان چیست.

روش تحقیق

برای به دست آوردن گرایش و تغییرات گرایش دانشجویان دختر نسبت به نوع پوشش بعد از انقلاب دو مطالعه در سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۸۰ انجام گرفته است. جامعه آماری مورد مطالعه دانشجویان دختر دانشگاه شیراز می‌باشند. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی سیستماتیک استفاده شده است. در سال ۱۳۶۹ از میان دانشجویان دختری که به دفتر بخش خود در هر دانشکده مراجعه کردند ۸ درصد انتخاب شدند و از آنان خواسته شد تا پرسشنامه‌ای را تکمیل نمایند. در این سال تعداد ۲۴۷۶ نفر دانشجوی دختر در دانشگاه شیراز مشغول تحصیل بودند که یک نمونه ۱۹۸ نفری از آنان مورد پرسش‌گری قرار گرفت. در مطالعه‌ی دوم پاسخ‌گوهای ما ۴ درصد از کل جامعه‌ی آماری بوده‌اند. بنابراین ۲۰۵ نفر از

۵۱۰۰ نفر دانشجوی دختر در سال ۱۳۸۰ مورد پرسش‌گری قرار گرفتند. در هر دو مورد حجم نمونه از طریق فرمول کوکران با خطای کمتر از شش درصد به شرح زیر به دست آمده است: بر اساس فرمول: $P(|p - P| \geq d) = \alpha$ اگر بخواهیم خطای مطلق در صد ما کمتر از ۰/۰۶ باشد یعنی $P(|p - P| \geq 0.06) = 0.05$ برای اندازه نمونه باید داشته باشیم:

$$n = \frac{z^2 p(1-p) / d^2}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{z^2 p(1-p)}{d^2} - 1 \right)}$$

که اگر Z مقدار درصدی توزیع نرمال $z_{0.975} = 2$ فرض شود. به این ترتیب خواهیم داشت:

$$n_1 = 198 \quad n_2 = 205$$

از میان پرسشنامه‌های تحقیق اول دو پرسشنامه به علت پاسخ‌های مشابه به همه سؤالات غیر قابل اعتماد شناخته شدند و سه پرسشنامه نیز سفید تحویل داده شدند. بنابراین در این مطالعه ۱۹۳ پرسشنامه مورد بررسی نهایی قرار گرفت. پرسشنامه‌های غیر قابل اعتماد در مطالعه دوم نیز ۵ عدد بود. پرسشنامه طراحی شده ۱۷ سؤال داشت. از پاسخ‌گوها خواسته شد در ۱۲ مورد شرایط اجتماعی فرضی نوع لباس خویش را علامت‌گذاری کنند. برای به دست آوردن تأثیر فشار کنترل اجتماعی شرایط فرضی به سه دسته تقسیم شدند. الف) محیط خانواده ب) محیط عمومی ج) محیط کار. منظور از محیط خانواده شرایطی است که پاسخ‌گو با خویشان خود است. محیط عمومی مکان‌های غیررسمی نظیر مراکز خرید، پارک‌ها و سینما می‌باشد. و محیط کار مکان‌های کاری رسمی است که پاسخ‌گو به عنوان کارمند و یا ارباب رجوع به آنان مراجعه می‌کند. انواع لباس‌ها نیز به سه گروه تقسیم شده است. الف) بی‌حجاب، ب) نیمه‌حجاب و ج) باحجاب. بی‌حجاب نوعی از لباس است که شرایط حجاب اسلامی را تأمین نمی‌نماید. در این پوشش نوع لباس همانند لباس‌های غربی و بدون هر نوع سرپوش است. در این تحقیق پوشش با بلوز و دامن یا شلوار، بی‌حجاب تلقی شده است. نیمه حجاب وقتی است که شخص با نوع لباس مدل غربی اما همراه با روسری است. در این تحقیق انواع پوشش‌های نیمه‌حجاب به شرح زیر در نظر گرفته شده است: پوشش با روسری و بلوز

(پیراهن) و شلوار و نیز پوشش با روسری و بلوز (پیراهن) و دامن و جوراب. با حجاب به پوششی گفته می‌شود که همه بدن طبق شرایطی که در شرع آمده است پوشیده باشد. انواع آن در این تحقیق عبارتند از: پوشش با روسری، مانتو و جوراب، پوشش با روسری، مانتو و شلوار، پوشش با مقنعه، مانتو و شلوار و پوشش با مقنعه و چادر. دو نوع حجاب در ایران از نظر ادارات دولتی رسمیت دارد. یکی چادر است که همه بدن را می‌پوشاند و دیگری استفاده از مقنعه و مانتو و شلوار می‌باشد. برای تحصیل اعتبار محتوایی (Content Validity) پرسشنامه با آزمون اعتبار صوری (Face Validity) از خانم‌های کادر مرکز جمعیت‌شناسی استفاده شد و شاخص‌های معرف حجاب و انواع آن به تأیید آنان رسید. برای به دست آوردن پایایی (Reliability) پرسشنامه آن را قبل از توزیع، در بخش‌های مختلف دانشکده‌ها و در خوابگاه‌های دختران مورد پرسشگری قرار داده و مفاهیم مبهم آن را اصلاح نموده‌ایم. برای این که بدانیم درصدهای حاصل از دو نمونه‌گیری در سال‌های ۶۹ و ۸۰ تغییر معنی‌داری داشته‌اند یا خیر از تابع محوری زیر (pivotal quantity) استفاده می‌کنیم:

$$\begin{cases} H_0 : p_1 = p_2 \\ H_1 : p_1 \neq p_2 \end{cases}$$

$$Q = \frac{\hat{p}_2 - \hat{p}_1 - (P_2 - P_1)}{\sqrt{\frac{\hat{p}_1 \hat{q}_1}{m} + \frac{\hat{p}_2 \hat{q}_2}{n}}} \sim N(0,1)$$

که مقدار عددی آن تحت فرض H_0 برابر خواهد بود با:

$$Q = \frac{\hat{p}_2 - \hat{p}_1}{\sqrt{\hat{p} \hat{q} \left(\frac{1}{m} + \frac{1}{n} \right)}}$$

که در آن \hat{p}_1 و \hat{p}_2 در صدهای به دست آمده از نمونه، m و n اندازه‌ی دو نمونه و P بر آورد در صد تحت فرض H_0 می‌باشد. با توجه به جدول توزیع نرمال استاندارد ناحیه‌ی بحرانی در سطح $\alpha = 0.05$ به صورت زیر خواهد بود:

$$|Q| > Z_{1-\frac{\alpha}{2}} = 1.96$$

مقدار Q برای هر یک از حالات در جداول مربوطه (جداول ۱، ۲ و ۳) مشاهده می‌شود. پر واضح است که مقدارهای بزرگتر از 1.96 یا کوچکتر از -1.96 حاکی از تغییر در گرایش دانش‌جویان نسبت به نوع پوشش مذکور می‌باشد.

بررسی

اطلاعات به دست آمده از این تحقیق در جداول توصیفی از ۱ تا ۶ آمده است. جداول شماره‌ی ۱ و ۲ تعداد و درصد نوع پوشش دانش‌جویان دختر در مجالس خصوصی را نشان می‌دهند. نوع پوشش در این‌گونه مجالس که فشارهای رسمی اجتماعی در آنان به حداقل می‌رسد نشان از امیال درونی پاسخ‌دهندگان دارد.

جدول شماره ۱- نوع پوشش دانش‌جویان دختر در مجالس خصوصی در سال‌های ۶۹ و ۸۰ (تعداد)

شرح نوع پوشش	عروسی مجزا از مردان		عروسی مختلط با مردان		مهمانی خانوادگی مجزا از مردان		مهمانی خانوادگی مختلط با مردان	
	۱۳۸۰	۱۳۶۹	۱۳۸۰	۱۳۶۹	۱۳۸۰	۱۳۶۹	۱۳۸۰	۱۳۶۹
مقنعه و چادر	۲۰	۱۰	۴۶	۴۶	۱۹	۱۱	۳۸	۵۲
مقنعه و مانتو و شلوار	۱۶	۴	۱۸	۱۶	۱۴	۴	۲۹	۱۸
روسری، مانتو و شلوار	۲۸	۳	۳۴	۸	۲۸	۵	۳۴	۱۱
روسری، مانتو و جوراب	۱۰	۱	۱۵	۱۲	۶	۳	۱۲	۸
روسری، بلوز و دامن (پیراهن) و جوراب	۲۷	۲۶	۴۲	۵۹	۳۹	۲۵	۳۹	۴۲
روسری، بلوز(پیراهن) شلوار	۱۳	۵	۱۸	۱۷	۲۲	۴	۳۰	۲۴
بلوز و دامن یا شلوار	۶۵	۱۴۴	۱۷	۳۵	۱۴۱	۶۳	۱۱	۳۸
سایر	۱۱		۱۰		۹		۷	
جمع	۲۰۰	۱۹۳	۲۰۰	۱۹۳	۲۰۰	۱۹۳	۲۰۰	۱۹۳

جدول شماره ۲- نوع پوشش دانش‌جویان دختر در مجالس خصوصی در سال‌های ۶۹ و ۸۰ (درصد)

شرح نوع پوشش	عروسی مجزا از مردان		عروسی مختلط با مردان		مهمانی خانوادگی مجزا از مردان		مهمانی خانوادگی مختلط با مردان	
	۱۳۸۰	۱۳۶۹	۱۳۸۰	۱۳۶۹	۱۳۸۰	۱۳۶۹	۱۳۸۰	۱۳۶۹
مقنعه و چادر	۱۰/۰	۵/۲	۲۳/۰	۲۳/۸	۹/۵	۵/۷	۱۹/۰	۲۶/۹
مقنعه و مانتو و شلوار	۸/۰	۲/۱	۹/۰	۸/۳	۷/۰	۲/۰	۱۴/۵	۹/۳
روسری، مانتو و شلوار	۱۴/۰	۱/۵	۱۷/۰	۴/۲	۱۴/۰	۲/۶	۱۷/۰	۵/۷
روسری، مانتو و جوراب	۵/۰	۰/۵	۷/۵	۶/۲	۳/۰	۱/۶	۶/۰	۴/۲
روسری، بلوز و دامن (پیراهن) و جوراب	۱۸/۵	۱۳/۵	۲۱/۰	۳۰/۶	۱۹/۵	۱۳/۰	۱۹/۵	۲۱/۸
روسری، بلوز(پیراهن) شلوار	۶/۵	۲/۶	۹/۰	۸/۸	۱۱/۰	۲/۰	۱۵/۰	۱۲/۴
بلوز و دامن یا شلوار	۳۵/۵	۷۴/۶	۸/۵	۱۸/۱	۳۱/۵	۷۳/۱	۵/۵	۱۹/۷
سایر	۵/۵		۵/۰		۴/۵		۳/۵	
جمع	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

اگر مجالس خانوادگی مختلط با مردان را بسیار خصوصی بدانیم ارقام جدول شماره ۲ نشان می‌دهند که حجاب دانش‌جویان در این‌گونه مجالس در طی ده سال فاصله‌ی موردنظر تحقیق حاضر از حالت چادر به سمت مقنعه و روسری و مانتو شلوار رفته است. از سوی دیگر از تعداد بلوز و دامن و یا شلوار که در واقع نوعی بی‌حجابی است، کاسته شده است. این تحلیل در مورد مجالس عروسی مختلط نیز تقریباً به همین میزان صادق است؛ در حالی که از میزان پوشش چادر و مقنعه در مجالس عروسی چندان کاسته نشده است. به عبارت دیگر در این‌گونه مجالس حالت داشتن حجاب رو به افزایش بوده است. این افزایش گرایش به حجاب و کم‌شدن بی‌حجابی با ارقام دو ستون دیگر یعنی عروسی مجزا و مهمانی مجزا نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۳- نوع پوشش دانش‌جویان دختر در محیط‌های عمومی در سال‌های ۶۹ و ۸۰ (تعداد)

شرح نوع پوشش	خرید روزانه		خرید ماهانه یا سالانه		گردش و تفریح در داخل شهر		گردش و تفریح در خارج از شهر	
	۱۳۸۰	۱۳۶۹	۱۳۸۰	۱۳۶۹	۱۳۸۰	۱۳۶۹	۱۳۸۰	۱۳۶۹
مقنعه و چادر	۶۷	۹۹	۷۴	۹۰	۵۸	۷۳	۴۵	۶۳
مقنعه و مانتو و شلوار	۸۶	۵۵	۸۱	۵۱	۸۲	۴۳	۹۰	۵۳
روسری، مانتو و شلوار	۲۹	۳۰	۲۳	۴۳	۳۲	۴۹	۳۳	۴۹
روسری، مانتو و جوراب	۹	۱۳	۹	۱۱	۹	۱۳	۹	۱۲
روسری، بلوز و دامن (پیراهن) و جوراب	۱	۱	۰	۰	۵	۱۰	۳	۹
روسری، بلوز(پیراهن) شلوار	۱	۱	۰	۲	۶	۵	۸	۷
بلوز و دامن یا شلوار	۰	۱	۶	۳	۱	۲	۵	۴
سایر							۳	
جمع	۱۹۳	۲۰۰	۱۹۳	۲۰۰	۱۹۳	۲۰۰	۱۹۳	۲۰۰

جدول شماره ۴- نوع پوشش دانشجویان دختر در محیط‌های عمومی در سال‌های ۶۹ و ۸۰ (درصد)

شرح نوع پوشش	خرید روزانه		خرید ماهانه یا سالانه		گردش و تفریح در داخل شهر		گردش و تفریح در خارج از شهر	
	۱۳۸۰	۱۳۶۹	۱۳۸۰	۱۳۶۹	۱۳۸۰	۱۳۶۹	۱۳۸۰	۱۳۶۹
مقنعه و چادر	۴۹/۵	۳۴/۷	۴۵/۰	۳۸/۳	۳۶/۵	۳۰/۰	۳۱/۵	۲۳/۳
مقنعه و مانتو و شلوار	۲۷/۵	۴۴/۶	۲۵/۵	۴۲/۰	۲۱/۵	۴۲/۵	۲۶/۵	۴۶/۶
روسری، مانتو و شلوار	۱۵/۰	۱۵/۰	۲۱/۵	۱۱/۹	۲۴/۵	۱۶/۶	۲۴/۵	۱۷/۱
روسری، مانتو و جوراب	۶/۵	۴/۷	۵/۵	۴/۷	۶/۵	۴/۷	۶/۰	۴/۷
روسری، بلوز و دامن (پیراهن) و جوراب	۰/۵	۰/۵	۰/۰	۰/۰	۵/۰	۲/۶	۴/۵	۱/۵
روسری، بلوز(پیراهن) شلوار	۰/۵	۰/۵	۱/۰	۰/۰	۲/۵	۳/۱	۳/۵	۴/۲
بلوز و دامن یا شلوار	۰/۵	۰/۰	۱/۵	۳/۱	۱/۰	۰/۵	۱/۵	۲/۶
سایر							۳/۵	
جمع	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

بر اساس جدول شماره ۴ می‌توان قضاوت کرد که گرایش به چادر در محیط‌های عمومی افزایش یافته و میل به استفاده از مانتو شلوار در این محیط‌ها کاهش یافته است. ضمن این که به طور کلی رعایت حجاب در محیط‌های عمومی که فشار غیر رسمی اجتماعی آن را کنترل می‌کند بسیار بالا است.

جدول شماره ۵- نوع پوشش دانشجویان دختر در محیط کار در سال‌های ۶۹ و ۸۰ (تعداد)

شرح نوع پوشش	به عنوان ارباب رجوع		به عنوان کارمند		مهمانی همکاران مجزا از مردان		مهمانی همکاران مختلط با مردان	
	۱۳۸۰	۱۳۶۹	۱۳۸۰	۱۳۶۹	۱۳۸۰	۱۳۶۹	۱۳۸۰	۱۳۶۹
مقنعه و چادر	۸۵	۱۰۳	۷۲	۱۰۵	۱۵	۳۲	۵۵	۶۴
مقنعه و مانتو و شلوار	۹۰	۵۵	۱۰۷	۶۰	۱۰	۲۴	۳۶	۳۹
روسری، مانتو و شلوار	۸	۱۷	۸	۱۰	۳	۲۳	۱۷	۳۶
روسری، مانتو و جوراب	۴	۹	۳	۸	۲	۱۲	۱۳	۱۸
روسری، بلوز و دامن (پسراهن) و جوراب	۱	۱۰	۱	۸	۲۵	۲۵	۳۰	۲۱
روسری، بلوز (پسراهن) شلوار	۲	۰	۱	۴	۵	۱۳	۲۱	۱۲
بلوز و دامن یا شلوار	۳	۴	۱	۲	۱۳۳	۶۴	۲۱	۷
سایر	۲		۳		۷		۳	
جمع	۱۹۳	۱۹۸	۱۹۳	۱۹۷	۱۹۳	۱۹۳	۱۹۳	۱۹۷

جدول شماره ۶- نوع پوشش دانشجویان دختر در محیط کار در سال‌های ۶۹ و ۸۰ (درصد)

شرح نوع پوشش	به عنوان ارباب رجوع		به عنوان کارمند		مهمانی همکاران مجزا از مردان		مهمانی همکاران مختلط با مردان	
	۱۳۶۹	۱۳۸۰	۱۳۶۹	۱۳۸۰	۱۳۶۹	۱۳۸۰	۱۳۶۹	۱۳۸۰
مقنعه و چادر	۴۴/۰	۵۱/۵	۳۷/۳	۵۲/۵	۷/۸	۱۶/۰	۲۸/۵	۳۲/۰
مقنعه و مانتو و شلوار	۴۶/۶	۲۷/۵	۵۵/۴	۳۰/۰	۵/۲	۱۲/۰	۱۸/۷	۱۹/۵
روسری، مانتو و شلوار	۴/۲	۸/۵	۴/۲	۵/۰	۱/۵	۱۱/۵	۸/۸	۱۸/۰
روسری، مانتو و جوراب	۲/۱	۴/۵	۱/۶	۴/۰	۱/۰	۶/۰	۶/۷	۹/۰
روسری، بلوز و دامن (پیراهن) و جوراب	۰/۵	۵/۰	۰/۵	۴/۰	۱۳/۰	۱۲/۵	۱۵/۵	۱۰/۰
روسری، بلوز (پیراهن) شلوار	۱/۰	۰/۰	۰/۵	۲/۰	۲/۶	۶/۵	۱۰/۹	۶/۰
بلوز و دامن یا شلوار	۱/۶	۴/۰	۰/۵	۱/۰	۶۸/۹	۳۲/۰	۱۰/۹	۳/۵
سایر	۱/۰	۱/۰	۱/۵	۱/۵	۳/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵
جمع	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که در سال ۸۰ فشارهای اجتماعی رسمی کمتر شده و در عین حالی که میل به استفاده از مقنعه و چادر افزایش یافته است اما در محیط‌های مهمانی با همکاران زنان بیشتر مطابق با میل خود ظاهر می‌شوند. اما به هر صورت در همان محیط‌های مهمانی با همکاران هم استفاده از انواع حجاب افزایش یافته است.

نتایج این تحقیق در جداول ۷ تا ۹ جمع‌بندی شده است. پوشش حجاب در میان دانشجویان دختر هر چه از محیط‌های خصوصی به محیط‌های رسمی می‌رویم بیشتر می‌شود. مجالس عروسی را می‌توان دومین مجلس خصوصی در جامعه ایرانی تلقی نمود. در این گونه مجالس اگر زن و مرد از یکدیگر جدا نباشند معمولاً کاملاً مختلط نیز نیستند. در سال ۱۳۶۹ در چنین شرایطی ۳۶/۳ درصد از پاسخ‌گویان حجاب کامل داشته‌اند و ۱۸/۱ درصد بدون حجاب حضور می‌یافته‌اند. در سال ۱۳۸۰ تعداد با حجاب‌ها به ۴۹ درصد ارتقاء یافته و بی‌حجاب‌ها به ۸/۵ درصد تقلیل یافته‌اند. بیشترین میزان بی‌حجابی در مهمانی‌های خصوصی گزارش شده است، اما این مقدار از سال ۶۹ تا ۱۳۸۰ کاهش یافته است. (از ۱۹/۷ به ۵/۵) جدول شماره ۱

نشان می‌دهد در سال ۱۳۶۹ بیش از ۸۰ درصد از دانشجویان علاقه‌مند به داشتن حجاب به طور کامل یا ناقص در مجالس عروسی بوده‌اند. همین رقم برای سال ۸۰ به رقم ۸۶/۵ درصد ارتقاء یافته است. آمارهای به کار رفته نشان می‌دهد که افزایش درصد گرایش به حجاب در سال ۸۰ در مجالس عروسی معنی‌دار می‌باشد اما در مجالس مهمانی‌های خصوصی تغییری معنی‌دار صورت نگرفته است. کاهش بی‌حجابان طی این دهه در دو نوع محیط‌های خانوادگی معنی‌دار است و تغییری در گرایش به نیمه‌حجابی صورت نگرفته است. با استفاده از ارقام این جدول، با توجه به مطالعه‌ی مقایسه‌ای صورت گرفته می‌توان گفت در طول ۱۱ سال حدود ۱۳ درصد به ^{تغییر}گرایش با حجاب‌ها در مجالس عروسی اضافه شده است. بی‌حجابی‌ها به میزان حدود ۱۰ درصد در مجالس عروسی و ۱۴ درصد در مهمانی‌های خصوصی کاهش داشته است. این ارقام گرایش دانش‌جویان را در محیط‌هایی که کنترل اجتماعی به حداقل می‌رسد نشان می‌دهد.

جدول شماره ۷- نوع پوشش دختران دانشجو در محیط خانوادگی در سالهای ۱۳۶۹ و ۱۳۸۰

Q	در مهمانی‌های خصوصی مختلط (درصد)		در مهمانی‌های خصوصی مختلط (تعداد)		Q	در مجالس عروسی مختلط (درصد)		در مجالس عروسی مختلط (تعداد)		نوع پوشش در محیط خانوادگی
	۱۳۸۰	۶۹	۱۳۸۰	۶۹		۱۳۸۰	۶۹	۱۳۸۰	۱۳۶۹	
1.705	۵۰/۵	۴۲	۱۰۱	۸۱	2.587	۴۹	۳۶۳	۸۹	۷۰	باحجاب
0.450	۴۰/۵	۳۸۳	۸۱	۷۴	-1.644	۳۷/۵	۴۵/۶	۷۵	۸۸	نیمه‌حجاب
-4.294	۵/۵	۱۹/۷	۱۱	۳۸	-2.550	۸/۵	۱۸/۱	۱۷	۳۵	بی‌حجاب
	۳/۵	۰/۰	۷	۰		۵	۰/۰	۱۰	۰	سایر
	۱۰۰/۰	۱۰۰	۲۰۰	۱۹۳		۱۰۰	۱۰۰/۰	۲۰۰	۱۹۳	جمع

هیچ یک از دختران دانشجو در سال ۱۳۶۹ بدون حجاب برای خرید از منزل بیرون نرفته‌اند و تنها یک نفر در سال ۱۳۸۰ ابراز داشت برای خرید بدون حجاب از خانه خارج می‌گردد! در سال ۱۳۶۹ فقط یک نفر و در سال ۱۳۸۰ تعداد ۵ نفر اظهار داشتند بی‌حجاب به پارک و یا سینما رفته‌اند. جدول شماره ۲ وضعیت حجاب دانشجویان دختر در خیابان‌ها، پارک‌ها، سینما، و مراکز خرید در سال‌های مورد نظر را نشان می‌دهد. در میان دانشجویان دختر رعایت حجاب

در این مکان‌ها در سال ۸۰ بیشتر از سال ۶۹ بوده است و از میزان بی‌حجاب‌ها کاسته شده است. بر اساس آمارهای استفاده شده افزایش درصد باحجابی و کاهش بی‌حجابی در مراکز خرید تغییرات معنی‌داری هستند و کاهش بی‌حجابی در پارک‌ها و سینماها نیز معنی‌دار است. تغییرات در درصد نیمه‌حجابی در این مکان‌ها و باحجابی در پارک‌ها و سینماها تغییر معنی‌داری نشان نمی‌دهد.

جدول شماره ۸- نوع پوشش دختران دانشجو در محیط عمومی غیررسمی در سال‌های ۶۹ و ۸۰

Q	در پارک یا		در پارک یا		Q	در مراکز		در مراکز		نوع پوشش در محیط عمومی
	سینما (درصد)	سینما (درصد)	سینما (تعداد)	سینما (تعداد)		خرید (درصد)	خرید (درصد)	خرید (تعداد)	خرید (تعداد)	
	۸۰	۶۹	۸۰	۶۹		۸۰	۶۹	۸۰	۶۹	
1.705	۵۰/۵	۴۲	۱۰۱	۸۱	2.587	۴۹	۳۶/۳	۸۹	۷۰	باحجاب
0.450	۴۰/۵	۳۸/۳	۸۱	۷۴	-1.644	۳۷/۵	۴۵/۶	۷۵	۸۸	نیمه‌حجاب
-4.294	۵/۵	۱۹/۷	۱۱	۳۸	-2.836	۸/۵	۱۸/۱	۱۷	۳۵	بی‌حجاب
	۳/۵	۰/۰	۷	۰		۵	۰/۰	۱۰	۰	سایر
	۱۰۰/۰	۱۰۰	۲۰۰	۱۹۳		۱۰۰	۰۰/۰	۲۰۰	۱۹۳	جمع

نسبت دانش‌جویان با پوشش نیمه‌حجاب در محیط‌های کار در طول ۱۱ سال حدود ۷/۵ درصد افزایش یافته است و درصد باحجاب‌ها حدود ۶/۵ درصد کاهش نشان می‌دهد. (جدول شماره ۳) این تغییرات پوششی بر اساس آمارهای به کار گرفته شده، معنی‌دار می‌باشد. این ارقام در هر دو سال تأثیر قانونی که به هیچ کارمندی اجازه نمی‌دهد تا در محیط کار بدون حجاب حاضر شود را نشان می‌دهد. همچنین می‌دانیم که ادارات از پاسخ‌گویی به زنانی که دارای حجاب نیستند ممانعت می‌نمایند. اما مقایسه وضعیت حجاب در دو سال ۱۳۶۹ و ۱۳۸۰ نشان می‌دهد که شدت اعمال این قانون در سال‌های اخیر کمتر شده است. زیرا تعداد ارباب رجوع‌های با پوشش نیمه‌حجاب حدود ۶ درصد افزایش یافته است.

جدول شماره ۹- نوع پوشش دانشجویان دختر در محیط کار در سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۸۰

Q	به عنوان کارمند (درصد)		به عنوان کارمند (تعداد)		Q	به عنوان مراجعة‌کننده (درصد)		به عنوان مراجعة‌کننده (تعداد)		نوع پوشش در محیط کار
	۱۳۸۰	۱۳۶۹	۱۳۸۰	۱۳۶۹		۱۳۸۰	۱۳۶۹	۱۳۸۰	۱۳۶۹	
-3.485	۸۷/۵	۹۶/۹	۱۷۵	۱۸۷	-2.564	۸۷/۵	۹۴/۸	۱۷۵	۱۸۳	با حجاب
3.023	۱۰/۰	۲/۶	۲۰	۵	2.376	۹/۵	۳/۶	۱۹	۷	نیمه‌حجاب
0.561	۱/۰	۰/۵	۲	۱	0.301	۲/۰	۱/۶	۴	۳	بی حجاب
	۱/۵	۰/۰	۳	۰		۱/۰	۰/۰	۲	۰	سایر
	۱۰۰	۱۰۰	۲۰۰	۱۹۳		۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۲۰۰	۱۹۳	جمع

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در طول دهه ۷۰ در دانشگاه شیراز، به عنوان نمونه‌ای از جامعه‌ی دانشجویی کشور، طرفداران حجاب افزایش یافته‌اند. آمار به دست آمده نشانگر افزایش گرایش به حجاب در طول مدت مورد مطالعه می‌باشد. در سال ۱۳۶۹ حدود ۸۰ درصد از دانشجویان دختر ابراز داشته‌اند که مایل به حفظ حجاب خویش، به هر نحو، در خصوصی‌ترین شرایط اجتماعی هستند در صورتی که این درصد در سال ۱۳۸۰ به حدود ۹۰ درصد ارتقاء یافته است. هم‌چنین دانش‌جویان دختر که برای خرید یا غیره در سال ۱۳۸۰ در محیط‌های عمومی ظاهر می‌شوند ده درصد بیش از هم‌سالان خویش در سال ۱۳۶۹ حجاب خود را رعایت می‌کنند.

این ارقام نشان می‌دهند که در سال ۶۹ فقط ۲۰ درصد از دانشجویان دختر مایل به کنار گذاشتن پوشش دینی خود در محیط‌های با فشار رسمی و غیر رسمی کمتر بوده‌اند و در فاصله‌ی ۱۱ سال در دومین دهه بعد از انقلاب اسلامی ۱۰ درصد از تعداد آنان کاسته شده است. حدود ۴۰ درصد از آنان که لباس مدل غربی را در مواقع خصوصی انتخاب می‌نمایند (۳/۳۸ درصد در سال ۱۳۶۹ و ۵/۴۰ درصد در سال ۱۳۸۰) مایلند موهای خویش را بر طبق ضوابط دینشان بپوشانند.

مقایسه جداول ۸ و ۹ نشان می‌دهد تعداد نیمه‌حجاب‌ها در محیط‌های رسمی افزایش یافته است. این افزایش دال بر کاهش فشارهای اجتماعی در مورد حجاب زنان در محیط‌های عمومی و رسمی در دهه دوم بعد از انقلاب اسلامی می‌باشد.

با توجه به نتایج فوق در مورد اعتقاد به نظریه‌های مختلف در مورد حجاب می‌توان گفت که با توجه به ارقام رعایت حجاب، بیشترین دانش‌جویان از طرفداران اندیشه‌های اسلامی می‌باشند. ارقام فوق نشان می‌دهد که در طول دهه ۷۰ به علت کاهش بی‌حجابی از میزان طرفداران احتمالی زنان غرب‌گرا در بین دانش‌جویان دختر به میزان ده درصد کاسته شده است.

در بین سال‌های ۶۹ تا ۸۰ پوشش با مقنعه و چادر و یا مقنعه و مانتو شلوار به میزان ده درصد در محیط کار کمتر شده است. (از ۹۲/۷ درصد در سال ۶۹ به ۸۲/۵ درصد در سال ۸۰) در مقابل پوشش با روسری و مانتو در محیط کار از ۵/۸ درصد در سال ۶۹ به ۹ درصد در سال ۸۰ افزایش یافته است. این ارقام کم‌شدن فشارهای رسمی را نشان می‌دهند. همچنین پوشش نیمه‌حجاب در محیط‌های اجتماعی از ۷/۸ درصد در سال ۶۹ به ۱۰/۵ درصد در سال ۸۰ افزایش داشته است. با توجه به ارقام فوق می‌توان گفت تعداد کسانی که مایل به تلفیق سنت‌های اسلامی و فرهنگ آمده از غرب هستند، در دهه ۷۰ افزایش یافته است. کم‌شدن پوشش مقنعه و چادر و افزوده شدن بر استفاده از روسری می‌تواند به طور عمده نشانه‌ای بر افزایش تأثیر فرهنگی غرب در طول دهه مورد مطالعه باشد. ضمن اینکه از این ارقام نمی‌توان افزایش غرب‌گرایی را نتیجه گرفت. بلکه در این حرکت نوعی سازش در میان سنت‌های غربی و ایرانی را می‌توان مشاهده کرد. زیرا به طور کلی میل به رعایت حجاب افزایش یافته است.

فهرست منابع

- استاد ملک، فاطمه (۱۳۷۶) *حجاب و کشف حجاب در ایران*، تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطایی.
- پارسا، طیبه (۱۳۷۷) *پوشش زنان در گستره‌ی تاریخ*، قم: انتشارات احسن الحدیث.
- تشکری، زهرا (۱۳۸۱) *زن در نگاه روشنفکران*، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- توانا، مراد علی (۱۳۷۱) *زن در تاریخ معاصر ایران*، تهران: مرکز امور مشارکت زنان، برگ زیتون.
- چیت ساز، محمد رضا (۱۳۷۹) *تاریخ پوشاک ایرانیان*، تهران: سازمان سمت.
- راوندی، مرتضی (۱۳۵۲) *تاریخ اجتماعی ایران*، جلد سوم، تهران: امیر کبیر
- زاهد، سعید، بیژن خواجه نوری (۱۳۸۴) *جنبش زنان در ایران*، شیراز: ملک سلیمان.
- زاهد زاهدانی، سید سعید (۱۳۸۱) *بهایت در ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- زیبایی نژاد، محمد رضا و محمد تقی سبجانی (۱۳۸۱). *در آمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام*، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- سبجانی، محمد تقی. (۱۳۸۲) *الگوی جامع شخصیت زن مسلمان*، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- شریعت پناهی، سید حسام الدین (۱۳۷۲) *اروپایی‌ها و لباس ایرانیان*، تهران: قومس.
- شهشانی، سهیلا (۱۳۷۴) *تاریخچه‌ی پوشش سر در ایران*، تهران: مدبر.
- شیخ الاسلامی، پری (۱۳۵۱) *زن در ایران و جهان*، تهران.
- طلوعی، محمود (۱۳۷۲) *پدر و پسر*، تهران: نشر علم
- فونر، جان (۱۳۷۷) *تاریخ تحولات اجتماعی در ایران (مقاومت شکننده)*، تهران: رسا.
- کاکس، روت تریزویل (۱۳۷۲) *تاریخ لباس*، ترجمه‌ی شیرین بزرگمهر، تهران: توس.
- معتضد، خسرو، *اشرف از سرای سنگلج تا سریر سلطنت*.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۳) *مسأله حجاب*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۹) *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران: شرکت افست.
- رمضان نرگسی، رضا (۱۳۸۳) *سایه روشن، زنان در تاریخ سیاسی معاصر، ماهنامه‌ی حورا*، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- یزدانی، عباس و بهروز جندقی (۱۳۸۲) *دانش‌های قمیستی و قمیسیسم*، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

منابع انگلیسی

- Afshar, Haleh (1985) Women, State and Ideology in Iran: *Third World Quarterly* 7, April 256-78.
- _____ (1999) *Islam and Feminisms*, London: Macmillan.
- Algar, Hamed (1991) "Religious Forces in Twentieth Century Iran", *The Cambridge History of Iran, Vol. 7*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Hawley, J.S. ed. (1994) *Fundamentalism and Gender*, Oxford: Oxford University Press.
- Moghadam, Valentine (1988) "Women, Work and Ideology in the Islamic Republic". *Middle East Studies* 20 May, 221-43.
- Moghadam, Val. (1994) "Islamic Populism, Class and Gender in Postrevolutionary Iran, Jahn Foran." (ed). *A Century of Revolution, Social Movments in Iran*, London: UCL Press.
- Moghadam Val. (1995) Gender and National Identity: *Women and Politics in Muslim Societies*, London: Zed.
- Najmabadi, Afsaneh (1993) "Power, Mortality and the New Muslim Womanhood, Ali Banuazizi and Muron Wiener." (ed) *State and Culture in Afghanistan, Iran, and Pakistan*, Albany: State University of New York Press.
- Nashat, Guity, ed. (1983) *Women and Reveolution in Iran*, Boulder Colombia: Westveiw.
- Tabari, Azar and Nahid Yeganeh (eds). (1982) *In the Shadow of Islam: The Women's Movement in Iran*, London: Zed.
- Tohidi, Nayereh (1995) "Modernity, Islamization and the women question in Iran", in Moghadam, Valentine M (ed) *Gender and National Identity: Women and Politics in Muslim Societies*, London: Zed.
- Zahed Zahedani, Syed Saaid (1997) *Exploring the Pattern of Islamic Social Movenents. Four Case Studies*, University of Leeds, A Ph.D.Theses.

دکتر سعید زاهد زاهدانی، استادیار بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه شیراز.

دکتر عبدالله دشتی، استادیار بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه شیراز.